

تأثیر اعتماد به نفس کارکنان، دسترسی به اطلاعات کاری، آموزش ضمن خدمت بر توانمندسازی و عملکرد کارکنان

سمیرا زینلی خورچانی

آموزگار آموزشگاه ابتدایی آموزش و پرورش استان اصفهان، ناحیه جلگه

s.zenaly98@gmail.com

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بین اعتماد به نفس کارکنان، دسترسی به اطلاعات کاری، آموزش ضمن خدمت بر توانمندسازی و عملکرد کارکنان به روش توصیفی از نوع همبستگی انجام شد. جامعه آماری پژوهش را معلمان منطقه جلگه شهر اصفهان به تعداد ۲۸۸ نفر تشکیل داد، که از این تعداد با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران و به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای متناسب با حجم تعداد ۱۶۵ نفر نمونه آماری انتخاب گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات، پنج پرسشنامه اعتماد به نفس آیزنک با ۳۰ گویه، پرسشنامه محقق ساخته دسترسی به اطلاعات کاری با ۱۰ گویه، پرسشنامه عملکرد سازمانی گلستانی (۱۳۹۱) با ۲۸ گویه، پرسشنامه توانمندسازی کارکنان اسپریتزر (۱۹۹۵) با ۱۲ گویه، پرسشنامه محقق ساخته آموزش ضمن خدمت با ۱۰ گویه که بر اساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت بود. روایی صوری پرسشنامه ها با استفاده از نظرات برخی از اساتید دانشگاه و تعدادی از اعضای جامعه آماری تایید شد. ضریب پایایی پرسشنامه ها نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برآورد شد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چند گانه، آزمون تحلیلی واریانس چند راهه استفاده گردید. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین اعتماد به نفس کارکنان و توانمندسازی، بین اعتماد به نفس و عملکرد، بین دسترسی به اطلاعات و توانمندسازی، بین آموزش ضمن خدمت و توانمندسازی، بین آموزش ضمن خدمت و عملکرد رابطه معناداری وجود دارد. نتایج همچنین نشان داد بین نمرات کارکنان در مورد متغیرهای اعتماد به نفس کارکنان، دسترسی به اطلاعات کاری، آموزش ضمن خدمت، توانمندسازی و عملکرد کارکنان با توجه به متغیرهای جمعیت شناختی (جنسیت، سن، تحصیلات، سابقه کار) تفاوت وجود ندارد.

کلید واژه ها: اعتماد به نفس کارکنان، دسترسی به اطلاعات کاری، آموزش ضمن خدمت بر توانمندسازی، عملکرد کارکنان

مقدمه

نظام آموزش و پرورش بنا به ضرورت تغییرات اجتماعی یکی از سازمانهای پیچیده و بزرگ اجتماعی در هر کشوری محسوب می شود و با رشد و توسعه اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی پیوندی ناگسستنی دارد و به تدریج از یک حالت ساده ابتدایی به یک حالت پیچیده در آمده است. ثمر بخشی این نظام از یک سو، تبدیل انسانهای مستعد سالم، بالنده، متعادل و رشد یافته است و از سوی دیگر تامین کننده نیازهای نیروی انسانی جامعه در بخشهای متفاوت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. امروز به دلیل گسترش علوم و تجارب بشری و توسعه فن آوری و پیشرفتهای صنعتی، گرایش به سازمانهای آموزشی امری فراگیر و جهانی شده است. به حدی که یکی از شاخصهای مهم رشد هر جامعه را وسعت دامنه وظایفی می دانند که نظام آموزش و پرورش آن به عهده گرفته است. اهمیت روز افزون آموزش و پرورش سبب شده است که دولت ها، سعی کنند با اتخاذ سیاستهای بخردانه، به ارتقای این سازمان در جوامع خود بپردازند.